■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ۳۶۳۷-ISSN۱۷۳۵
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۸ | ۶ رمضان ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۳۸۱ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Sunday - 2019 May 12

حدیث روز: نهج‌البلاغه

امام علی(ع):
مردم! در روزهای فناپذیر، برای روزگار جاودان، توشه برگیرید.

پلک احساس: مولانا

دعاها اندر این مه مستجاب است
فلک‌ها را بدرد آه روزه

دعای روز ششم ماه مبارک رمضان

أَللّٰهُمَّ لاتَخْذُلْنی فیهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصَیتِكَ وَ لا تُضْرِبْنی بِسِیاطِ نِقْمَتِكَ؛ وَزَحْزِحْنی فیهِ مِنْ مُوجِباتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ وَأَیادیكَ یا مُنْتَهی رَغْبَةِ الرّاغِبینَ.
خداوندا مرا در این روز به جهت آلایش به عصیانت خوار مساز و با تازیانه قهر و کیفرت مزن؛ و مرا در این روز از موجبات خشمت دور فرما. به لطف و نعمتت ای نهایت اشتیاق مشتاقان.

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳:۰۱	غروب آفتاب: ۲۰/۰۰
اذان مغرب: ۲۰/۲۰	نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۲
اذان صبح (فردا): ۴/۲۴	طلوع خورشید(فردا): ۶/۰۱

پیش‌بینی آب و هوا دوشنبه

تهران	اهواز	ارومیه	بجنورد	بندرعباس	زاهدان	خرم‌آباد	گرگان
۱۹ / ۲۹	۲۳ / ۴۱	۱۰ / ۲۴	۱۲ / ۲۷	۲۴ / ۳۴	۲۰ / ۳۱	۱۰ / ۲۷	۱۶ / ۲۸

امروز در تاریخ:

- استقلال بحرین از ایران با تأیید سازمان ملل متحد (۱۳۴۹ ش)
- تقسیم برلین پایتخت آلمان به دو قسمت شرقی و غربی (۱۹۴۹م)

خودنویس

یادداشتی از حامد عسکری شاعر و نویسنده

سفرنامه دمشق

ساعت ۱۱ شب است. لباس سبك كرده‌ام نشسته‌ام روی كاناپه، یك چایی ریخته‌ام بنوشم و همزمان گوشی چك كنم و بخوابم كه سحر بیدار شوم، سید احسان توی واتس‌اپ پیام می‌دهد، حاجی امشب میای بریم مسجد ارک، شب عاشوری منصور امشبه، حضرت رقیه می‌خونه اگه پایه‌ای بپوش بیام دنبالت، چایی‌ام را هورت می‌كشم، داغی‌اش می‌دود توی دندان نصفه نیمه عقلم، تیر می‌كشد، اصلا كیف عالم در همان وقت‌هایی است كه عشق می‌آید وسط معركه و عقل تیر می‌كشد. عقل می‌گوید از هفت صبح سر پا بودی، بخواب استراحت كن فرداشب برو، عشق می‌گوید، سید احسان واسطه شده بپوش برو تنبلی نكن، سید احسان ایز تایپینگ: چه كنم حامد بیام؟ تایپ می‌كنم بیا، لباس می‌پوشم برسی توی موها و دو پاف عطر و توی آینه آسانسور خودم را ورانداز می‌كنم. چراغ‌های ماشینی از دور تاریكی چسبناك كوچه را چاك می‌دهد و همین‌طور كه نزدیك می‌شود سایه‌ام دراز. می‌اندازیم توی حافظ، چه خبرها یكی‌یكی پینگ‌پنگی جواب داده می‌شود، دارد ازدواج می‌كند خوشحال می‌شوم... جایی حوالی توپخانه پارك می‌كنیم، خانواده‌ها گله‌گله نشسته‌اند. زیرانداز انداخته‌اند، جای عجیبی است میدان توپخانه و حوالی بازار، روزها در قرق موتوری‌ها و چرخی‌ها و وانت‌بارهاست كه رتق و فتق امور دنیای بندگان خدا بكنند و بار و مسافر و جنس ببرند و شب‌های رمضان می‌شود محراب ابوحمزه و صحیفه سجادیه و نماز شب و تعالیت یا مجیر همان بنده‌ها...

حاج منصور هنوز شروع نكرده. از بلندگو بوقی‌های پنهان لای چنارهای اردیبهشتی، شیخی واضح و ساده احكام می‌گوید، هنوز صحن ارك اینقدری پر نشده كه برای ما دو نفر جا نداشته باشد مثل فلامینگوها پا ور می‌چینیم و جمعیت را نرم رد می‌كنیم و می‌رویم توی صحن یك جا می‌نشینیم ... حاجی شروع می‌كند چند بیت مناجات، بلدكار است و الهی العفو می‌گیرد كه اشك در می‌آید، اشك مناجات با اشك روضه فرق دارد مزه‌اش، اشك مناجات برای همان مقدار داروییست كه تزریقات‌چی‌ها سرنگ را رو به آسمان می‌گیرند و چند قطره‌اش را هوایی می‌چكانند كه هوا و ناخالصی نداشته باشد بعد دارو را تزریق می‌كنند. حاجی كم‌كم می‌رود توی روضه: الهی صورتش آتش بگیرد / مرا با سیلی‌اش بیدار می‌كرد

صحن مسجد غوغاست... پرت می‌شوم به حرم سه ساله ... عقلم تیر می‌كشد توی اشك می‌گویم: یك سوریه ما را دعوت نمی‌كنید؟

ادامه دارد...

کافه میرداماد

گفت‌وگو با حسن غفاری، عکاس مردم‌نگار درباره زندگی عشایر

ایلیاتی، کاسب نیست

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

سیاه چادرها دارند كم كم جای خودشان را به چادرهای برزنتی می‌دهند. وقتی در بازار گونی‌های برزنتی و پلاستیكی هست چرا باید نشست و خورجین بافت و آنها را پهن كرد روی الاغ و اسب و مادیان؟ وقتی موتور و وانت و جاده هست چرا باید برای طی مسیر از چهارپایان استفاده كرد؟ اصلا چرا باید ایلیاتی و عشایر ماند و ییلاق و قشلاق كرد؟

این روزهای اردیبهشتی كه هوا بسیار معتدل است، فصل حركت عشایر است، مردمانی كه یك جا ماندن را تاب نمی‌آورند و مدام در حركتند. مردمی كه از بركت حركتشان زمین‌ها آبادتر می‌شود و دام‌ها پروارتر. مردمی كه سختی سفر و حركت را به جان می‌خرند تا ادامه دهنده فرهنگ ایلیاتی باشند. مردمی آزاده كه تا چند سال قبل جزو ستون‌های اقتصادی كشور بودند با دامداری و بافته‌هایشان كه چشم‌نوازند و هویت دارند و نگاه را با خود می‌برند كه ای‌كاش یكی از آنها مال من باشد؛ بافته‌ها و صنایعی خوش آب و رنگ با نقش‌های پر رمز و راز.

فصل كوچ عشایر است و عكس‌هایی كه منتشر می‌شود، حسرت زندگی در دل طبیعت را در وجودمان زنده می‌كند. زنان و مردانی كه سوار بر اسب و مادیان در كنار گوسفندان و بزها و میش‌ها در دل كوه یا دشت به پیش می‌روند تا به دشت‌های حاصلخیزتر برسند و دام‌هایشان را سیر و فربه كنند. عكس‌ها خوش آب و رنگ‌اند و برای لحظه‌ای هم كه شده تمنای زندگی در طبیعت را در وجودمان زنده می‌كنند، هر چند این خواسته فقط یك تمناست، ما دو دستی به زندگی شهرنشینی چسبیده‌ایم و حاضر نیستیم از آن جدا شویم، حتی اگر روز به روز حلقه سختی معیشت بیشتر نابودمان كند.

چالش‌های پیش روی عشایر جوان

عكس‌ها فقط عكس هستند و آنهایی كه در نمایشگاه‌های مختلف صنایع دستی و عشایری شركت می‌كنند، ایلیاتی نیستند! آنها كاسبند كه آمده‌اند تا با جعل زندگی ایلیاتی پولی به جیب بزنند و بروند! این‌ها را حسن غفاری می‌گوید كه اصالتا اهل كهگیلویه و بویراحمد است و سال‌های زیادی است از اقوام و عشایر سراسر ایران عكاسی می‌كند و به عكاس قوم نگاری شهرت دارد. غفاری فیلم روبان قرمز حاتمی كیا را هم عكاسی كرد اما بعد سراغ علاقه خود رفت و به عكاسی از مردم ادامه داد. او به واسطه حضور در میان اقوام مختلف ایرانی شناخت خوبی از آنها دارد. «فناوری و اسباب زندگی مدرنیته یكی از دلایل بر هم ریختن نوع زیست عشایر است. حالا بیشتر عشایر به‌خصوص جوان‌ها گوشی‌های هوشمند دارند و به مدد بسته‌های اینترنت از همه دنیا باخبرند. جوان‌های ایلیاتی چه دختر و چه پسر حالا دیگر كمتر علاقه‌ای به ماندن در طبیعت دارند، آنها با زندگی شهری آشنا شده‌اند و دوست دارند از رفاه آن استفاده كنند. زندگی عشایری دشوار است، باید مدام در حال حركت باشی، باید از دام‌ها مراقبت كنی، باید همه نیازهایت را خودت برطرف كنی و اكنون جوان‌های عشایر از خود این سوال را می‌پرسند، چرا باید عشیره بمانند؟ شاید اگر دولت و مسئولان بیشتر به عشایر توجه می‌كردند و فرهنگ زیست آنها را پاس می‌داشتند، ایلیاتی‌ها از این كه زندگی عشایری دارند و دردل طبیعت زندگی می‌كنند، حس خوبی پیدا می‌كردند و دیگر دوست نداشتند از ایل جدا شوند. اما عشایر مهجورترین، اقوام و مردم ایران هستند كه به‌سختی به زندگی ادامه می‌دهند به‌خصوص در چند سال اخیر كه به دلیل خشكسالی خیلی از مراتع از بین رفت.»

عشایر واقعی به نمایشگاه‌ها نمی‌آیند

غفاری: تیر و طایفه‌های عشایری هنوز در همه ایران پیدا می‌شوند، اما «ایل»هایی كه متشكل از چند طایفه هستند در حال نابودی هستند

به غفاری می‌گویم به نظر می‌رسد، یكی از روش‌های توجه به عشایر، برگزاری نمایشگاه‌های صنایع دستی آنهاست و یا خانه‌های بوم‌گردی و هتل‌هایی كه مثلا اتاق‌هایش سیاه‌چادرهای عشایری است.

«در این نمایشگاه‌ها كسانی شركت می‌كنند كه كاسبند نه عشایر واقعی. ایلیاتی اصیل آنقدر كار دارد كه فرصت نمی‌كند به این جور نمایشگاه‌ها بیاید و اجناس تولید خودش را بفروشد. برخی از كاسب‌ها كه رگ خواب علاقمندان صنایع دستی عشایری دستشان آمده، بر تن فروشندگان خود لباس عشایری می‌پوشانند، رقص‌ها و نوازندگی‌های ایلیاتی راه می‌اندازند و صنایعی كه اصالت آنها چندان هم معتبر نیست را به مردم می‌فروشند. خانه‌های بوم‌گردی و هتل‌های سیاه‌چادری، جاذبه‌های توریستی است كه نفعش اصلا به عشایر نمی‌رسد. زندگی عشایری بر مبنای دام‌پروری است. آنها آدم‌های متعهدی هستند كه می‌دانند از طریق پرورش دام باید بخشی از بازار گوشت و لبنیات و ... را تامین كنند. اما واقعیت این كه مدت‌هاست بازار به‌هم ریخته است. خشكسالی باعث شد كه عشایر نتوانند مراتع مناسب و خوبی برای دام‌های خود پیدا كنند و یك جورایی دامپروری آنها زمین خورد اما باز هم تلاش می‌كنند به زندگی خود ادامه دهند. به‌خصوص عشایر شاهسون، بختیاری و قشقایی. از طرفی باید به این موضوع هم توجه كرد كه روستائیان با عشایر در حال حركت خوب تا نمی‌كنند. وقتی عشایر برای یك، دو روزی در منطقه‌ای ساكن می‌شوند اگر در نزدیكی روستا باشند، مردم روستا معترض می‌شوند چون به نظر آنها دام‌های عشایر، در زمین‌های آنها چرا می‌كنند و دیگر برای احشام روستائیان علوفه‌ای نمی‌ماند! الان كه گوسفند گران شده، دام‌های عشایر در خطر دزدیده شدن هم هستند و همه این‌ها عشایر را كلافه كرده است و آنها را به این فكر انداخته كه سبك زندگی خود را تغییر دهند.»

عشایر هم حریم شخصی دارند

به غفاری می‌گویم اگر سبك زندگی عشایر به مردم معرفی شود، آنها می‌توانند از توریست‌ها به عنوان منبع درآمد استفاده كرده و زندگی خود را رونق بدهند؟

«عشایر بسیار خونگرم و مردم‌دار هستند. آنها مقید این نیستند كه مثلا خوراكی به مسافران بفروشند یا هزینه اقامت از آنها بگیرند. اما می‌توان در این زمینه فرهنگسازی كرد كه تاكنون مغفول مانده است. می‌توان مهمان عشایر شد و از بودن در كنار آنها لذت برد اما این حضور هم قوانین و چارچوبی دارد. برخی فكر می‌كنند وقتی وارد ایل شدند این اجازه را دارند كه به هر جا كه دوست داشتند سرك بكشند و مثلا عكس بگیرند اما واقعیت این است اگر مهمانی به خانه ما بیاید هر چند بسیار عزیز هم باشد به او اجازه می‌دهیم به همه گوشه و كنار خانه ما سرك بكشد؟ زندگی در كنار عشایر و مهمان آنها بودند قوانینی دارد كه باید رعایت شود. تیر و طایفه‌های عشایری هنوز در همه ایران پیدا می‌شوند، اما «ایل»هایی كه متشكل از چند طایفه‌اند در حال نابودی هستند. قدرت ایل‌هایی و طایفه‌ها كم شده اما تیره‌ها تلاش می‌كنند كه حیات زندگی عشایری حفظ شود.»

مقطع حساس كنونی

حكایت خواندنی معماهای حكیم + پایان غیرمنتظره

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

حكیمی در پایان ترم كارگاه‌های حكمت و سیاست، مریدان را گردآورد تا از آنان پرسش‌هایی بپرسد و با توجه به پاسخ‌های ایشان، علاوه‌بر سنجش هوش و ذوق ایشان، تعدادی از ایشان را در راستای انجام فریضه جوانگرایی به تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و مسؤولان پایه‌بلند اجرایی معرفی كند. وقتی مریدان همه گردآمدند، پس از سلام و تحیت و آرزوی موفقیت برای ایشان، گفت: پرسش‌هایی كه اینك مطرح می‌كنم، حاصل سال‌ها پژوهش اندیشمندان در معتبرترین آكادمی‌های علوم انسانی دنیاست كه برای سنجش هوش سیاسی و ذوق ادبی دانشجویان رشته‌های فلسفه سیاسی و مریدان حكمای برجسته طراحی شده است. من اینك پرسش‌ها را یكی‌یكی مطرح می‌كنم، اما پاسخ صحیح را در انتهای همه پرسش‌ها بیان می‌كنم، تا نخست نظر شما را بشنوم. سپس پرسید: آن چیست كه خوراكش آب است و دستش را برسر گرفته است و انگار دارد قسم می‌خورد؟ یكی از مریدان گفت: شیر سماور. یكی دیگر از مریدان گفت: اتحادیه اروپا. یكی دیگر از مریدان گفت: آفتابه و خاموش شدند. حكیم پرسید: آن چیست كه گرد است و دست و پا ندارد و در شكمش مشتی ستاره است و زرد است و نام دو جانور در آن است. یكی از مریدان گفت: سگ و گربه. یكی دیگر از مریدان گفت: دونالد ترامپ. یكی دیگر از مریدان گفت: خربزه و خاموش شدند.

حكیم پرسید: آن چیست كه پارسال نرسید، امسال نرسید، سال دیگر هم نخواهد رسید؟ یكی از مریدان گفت: شفتالو. یكی دیگر از مریدان گفت: حقوق كارگران واحدهای تولیدی تعطیل شده. یكی دیگر از مریدان گفت: گلابی برجام و خاموش شدند. در این لحظه پیامی از طریق یكی از پیام‌رسان‌های داخلی (ترجیحا سروش) به گوشی موبایل حكیم رسید. حكیم نرم‌افزار همراهش را باز كرد و به محض رویت پیام از جا برخاست و سراسیمه از اتاق بیرون رفت. به این‌ترتیب همان‌طور كه هیچ‌كس نفهمید پیامی كه برای حكیم فرستاده شده بود چه بود و از طرف كه بود، هیچ‌كس نیز نفهمید پاسخ صحیح سه معمای مطرح‌شده توسط حكیم چه بود. آگاهان بر این باورند كه هیچ‌كس هیچ‌چیز نفهمید.

نبرد زرافه و فرزندش با شیرها

یك عكاس حیات‌وحش صحنه‌ای از فداكاری مادر زرافه برای فرزندش را عكاسی كرده است. به گزارش فرادید، جیمز نامپسو عكاس ۳۸ ساله حیات‌وحش عكس‌هایی از حمله شیرهای گرسنه به یك بچه زرافه را شكار كرده كه با ورود مادر زرافه شیرها سراغ مادر می‌روند. جیمز كه این تصاویر را از یك منطقه حفاظت‌شده در كنیا گرفته می‌گوید طی ۱۲ سال از عكاسی من در حیات‌وحش تاكنون با چنین صحنه‌ای روبه‌رو نشده بودم. زرافه شجاع مبارزه‌ای باورنكردنی انجام داد و خود را بین شیرها و فرزندش قرار داد. شیرهای گرسنه پس از مدتی درگیری و زخمی كردن زرافه توانستند مادر و بچه را از یكدیگر جدا كنند و لحظاتی بعد بچه زرافه را خوردند.

یك دست سكوت

علیرضا رافتی

عرفا می‌گویند یك ذكر لسانی داریم، یك ذكر قلبی. سالك كه قدم در سیر الی ا... می‌گذارد، اول بسیار با زبانش ذكر می‌گوید. اما هر چه مرتبه‌اش بالاتر می‌رود ذكر زبانی‌اش كمتر می‌شود و به جایی می‌رسد كه دیگر سكوت می‌كند. سكوت، سرّ عجیبی است. یعنی در این دنیای پر از سر و صدا، فقط یك صدا را بشنوی. مثل كسی كه در رستورانی شلوغ و پر از سر و صدا سكوت كرده و فقط صدای زنده پیانو را می‌شنود. بله ذكر باید صاحبش را به سكوت برساند. به عكس این جانباز كه نگاه می‌كنم، می‌مانم كه روزی كه قرار است اعضا و جوارح شهادت بدهند، كدام دستش بیشتر به ذكر خدا شهادت می‌دهد دستی كه هست یا دستی كه نیست؟

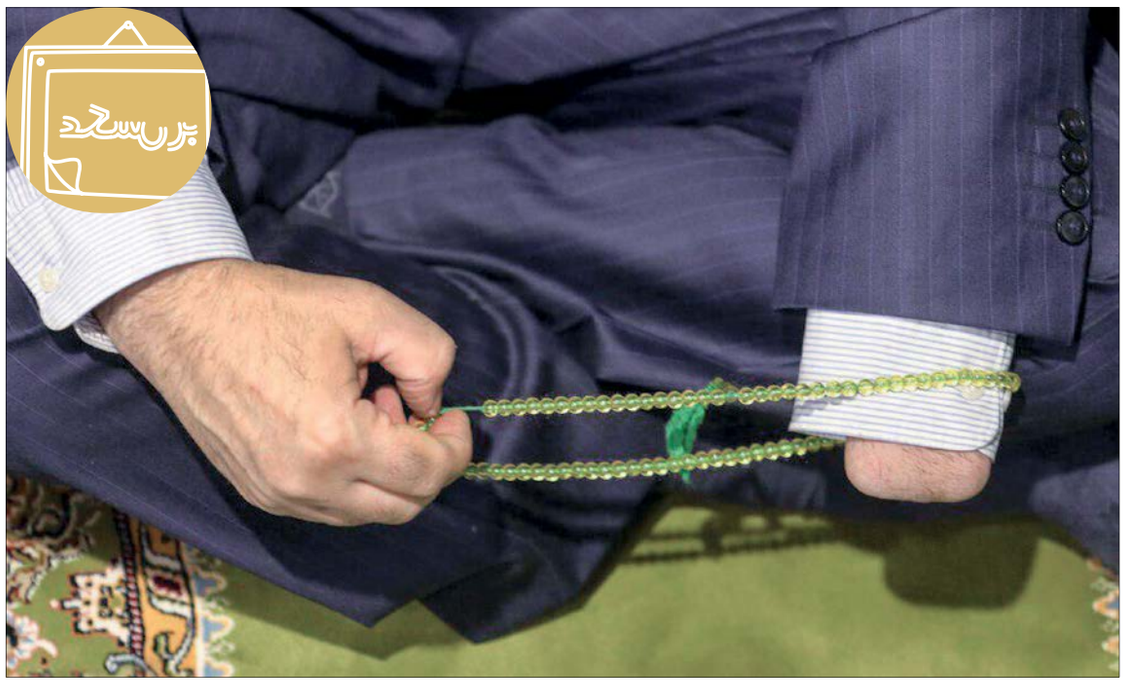

پرس سحر

عكس: مهر

رونمایی از سریع‌ترین قطار جهان

سریع‌ترین قطار گلوله‌ای جهان با دماغه‌ای ۷۲ فوتی در ژاپن رونمایی شد. این قطار با سرعت ۲۲۴ مایل برساعت و داشتن ۱۰ واگن در مرحله آزمایش است و تا ۲۰۳۰ میلادی به‌طور عملیاتی حركت می‌كند.

به گزارش مهر، این درحالی است كه ژاپن سعی دارد شبكه قطارهای گلوله‌ای خود را گسترش دهد. از این قطار برای خدمت‌رسانی به ساپورو مهم‌ترین شهر در ایالت هوكایدو ژاپنی استفاده می‌شود. اگر قطار مذكور بتواند به سرعت گفته شده دست یابد سفر بین توكیو و ساپورو را نصف می‌كند و به ۴/۵ ساعت می‌رساند.

این قطار مجهز به فناوری‌های متعددی است و علاوه بر ترمز معمولی مجهز به نوعی ترمز هوایی نیز هست.

علاوه بر این موارد قطار مذكور مجهز به ویژگی‌هایی است كه از آسیب‌پذیری آن در برابر زلزله می‌كاهد. همچنین دماغه ۷۲ فوتی آن طوری طراحی شده تا از میزان سروصدا و فشار در سرعت‌های بالا بكاهد و قطار راحت‌تر وارد تونل شود. در حال حاضر سریع‌ترین قطار جهان با سرعت ۲۰۰ مایل برساعت در ژاپن و فرانسه فعالیت می‌كند.

پوتین؛ زمین خورد

رئیس‌جمهور روسیه پس از به ثمر رساندن ده گل در هاكی زمین خورد، اما بلافاصله برخاست و به طرفدارانش دست تكان داد.

به گزارش فرارو، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه كه علاقه خاصی به هاكی روی یخ دارد و توانمندی‌هایش را هم با این ورزش به رخ می‌كشد بعد از پایان مسابقه هاكی روی یخ در سوچی هنگامی كه اسكیت‌كنان برای هوادارانش دست‌تكان می‌داد روی زمین افتاد. رئیس‌جمهور روسیه در لیگ شبانه هاكی روی یخ در كاخ یخ بالشوی سوچی بازی می‌كرد. پوتین در این دیدار موفق شد ده گل به ثمر برساند. این بازی دوستانه با نتیجه ۱۴ بر ۷ به نفع تیم رئیس‌جمهور روسیه به پایان رسید.